



Killer Beat

تیم ترجمه وادیت اوی سکاای تقدیم می کند

uploader: elik

translator: Artemis

editor: Raha & Nari

director: mioka

Aoi Sekai

کشتنده ضربه

چیترا: ۹

تماس برقرار نشد...
رفت روی پیغامگیر
صوتی.



داره چیکار
می کنه که این
ساعت هم جواب
نمیده؟



مهم تر
از اون ...

من دارم
تعقیب میشم.

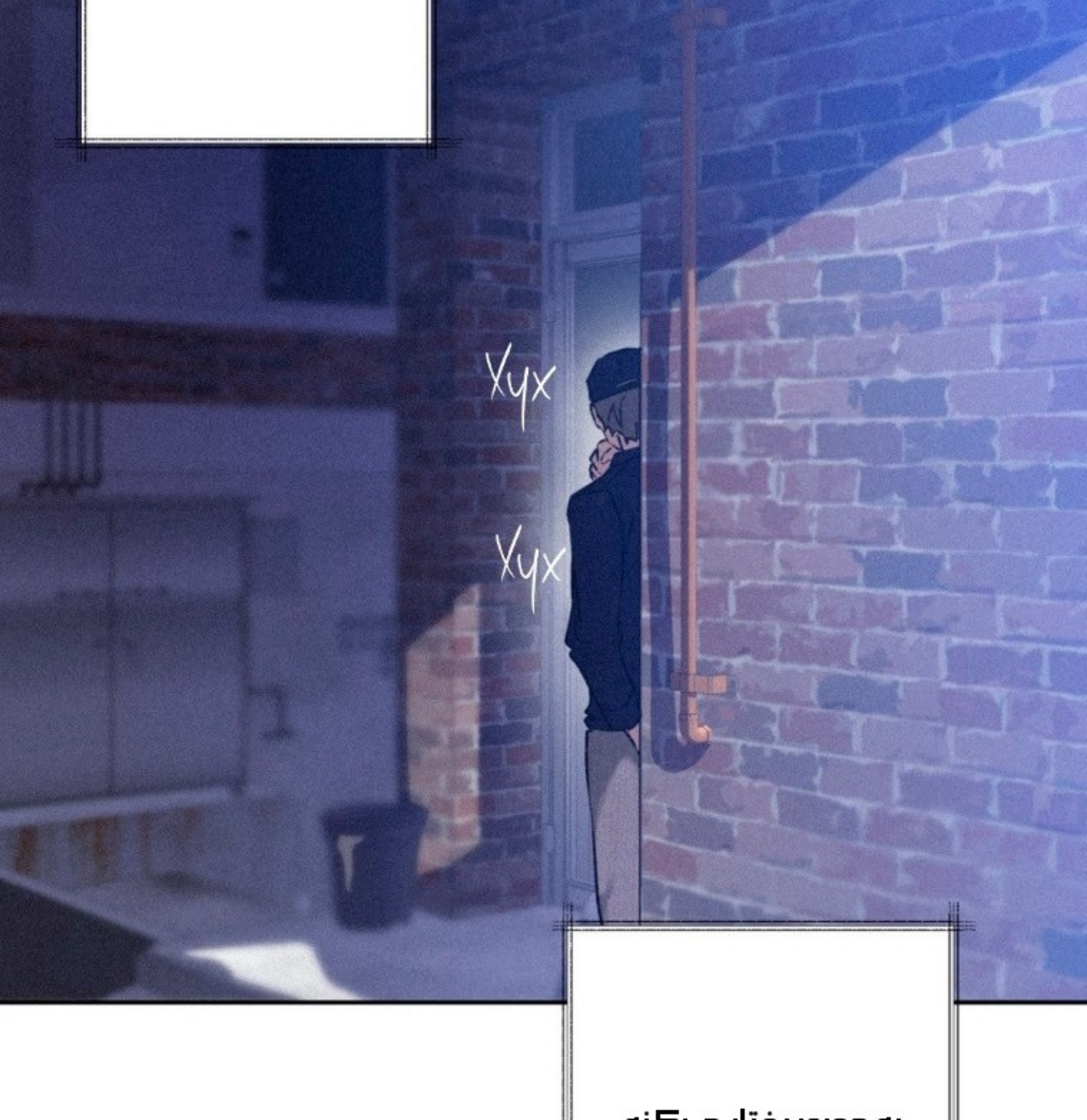


و اون هیونگ
اون چانه.





به سختی داره
نفس می‌کشه ...
اون مضطربه؟



یه جوری رفتار می‌کنه
انگار برنامه چیدم
امروز بخورمش.

فعلاً بیش از حد
غذا دارم...

راستش، این خیلی خوب
جواب میده. فقط اطلاعات
تماسش رو می‌گیرم -



و چند تا چیز در
مورد اون چان
ازش می‌پرسم.



Топ



... اون رفته.



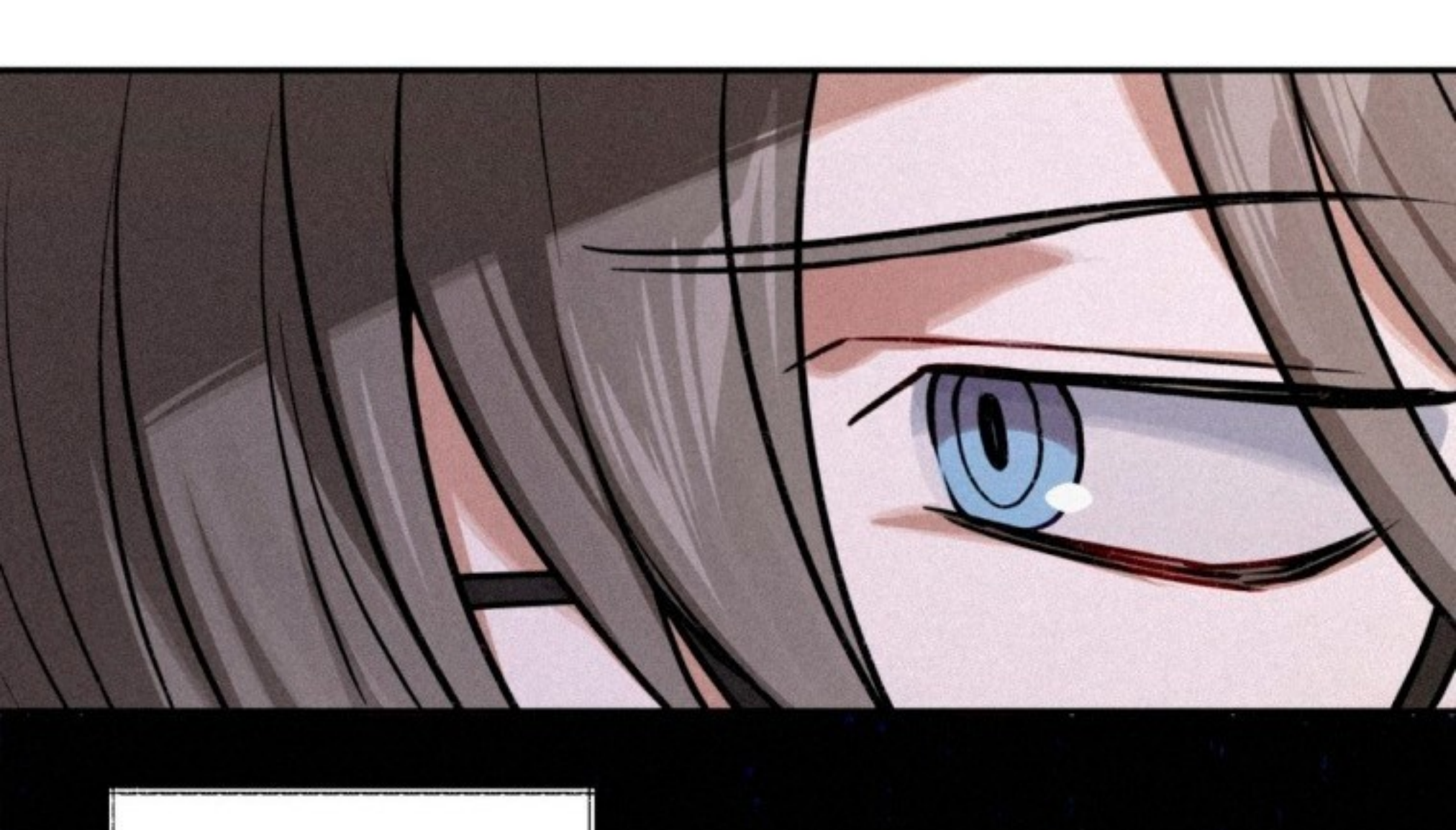
چرا انقدر
می لرزم؟



اگر بخوام
وضعیت اون چان
رو تأیید کنم -



باید برم
داخل.



آخرین باری که دیدم،
اون دختر با خونسردی
ناکارش کرد.



احتمال زنده
بودنش زیاد نیست.

...

تالاهری،
اون پان. موفق
باشی! دیگه برای
امروز کافیه!



چی برای
امروز کافیه؟





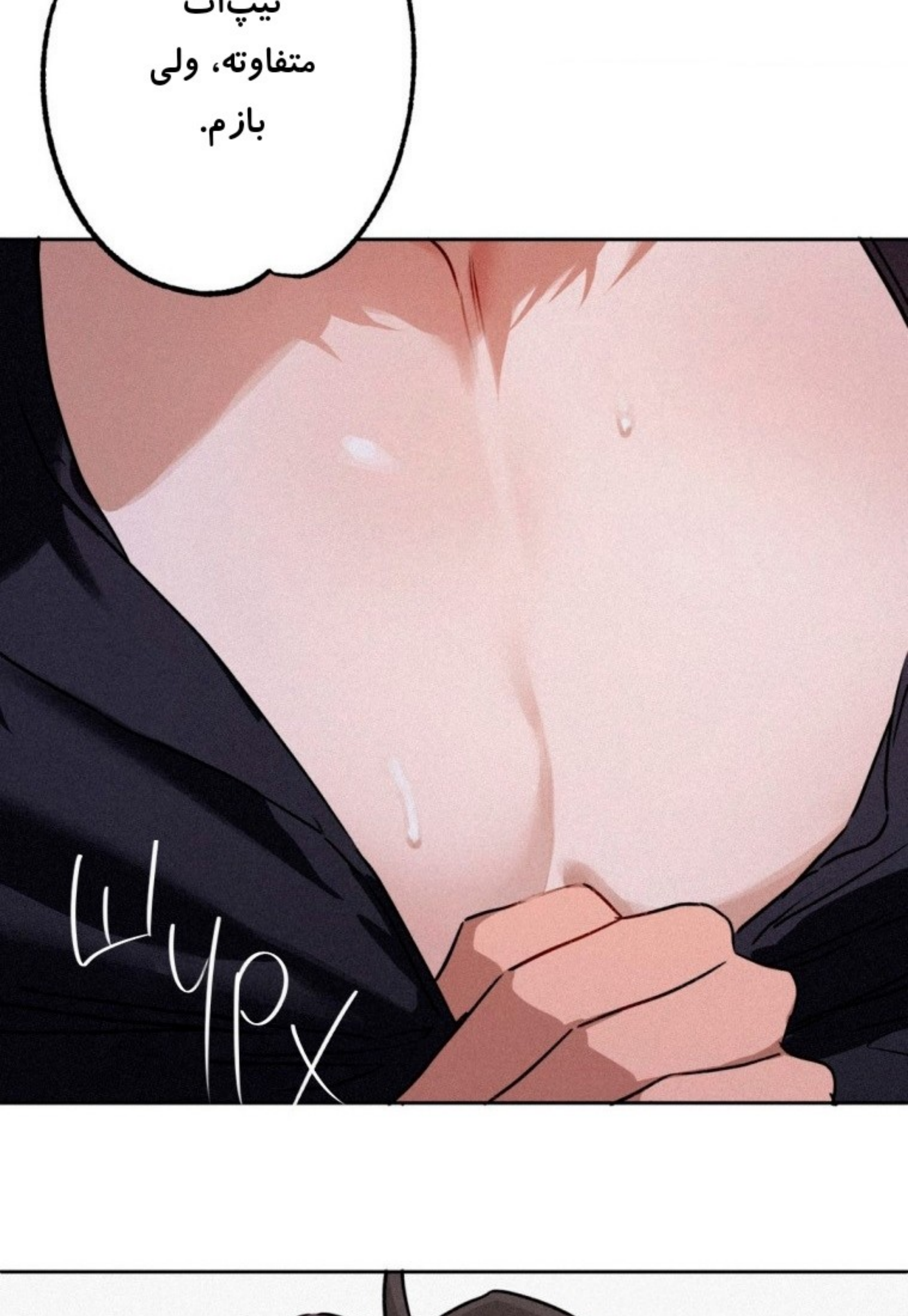
دفعه قبل
متوجه نشدم،
اما-



تو واقعاً
یه جورایی
خوش تیپی.



در مقایسه با
اون چان، تو...



تیپات
متفاوته، ولی
بازم.









من معمولاً
کسی ام که چاقو
می زنه.

چ - چی
می خوای...؟



هومم...

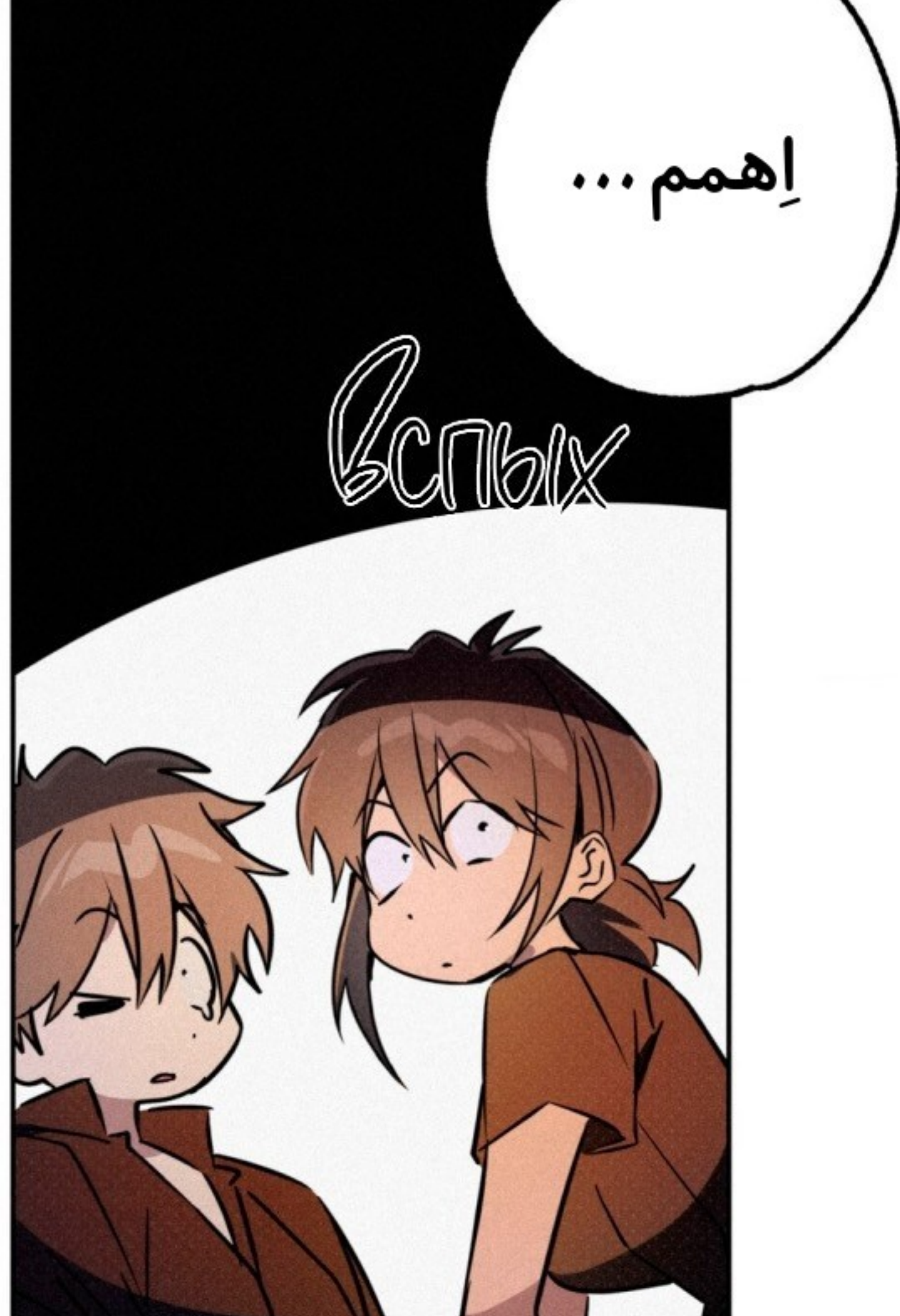
یه زندگی آرام،
احتمالاً...

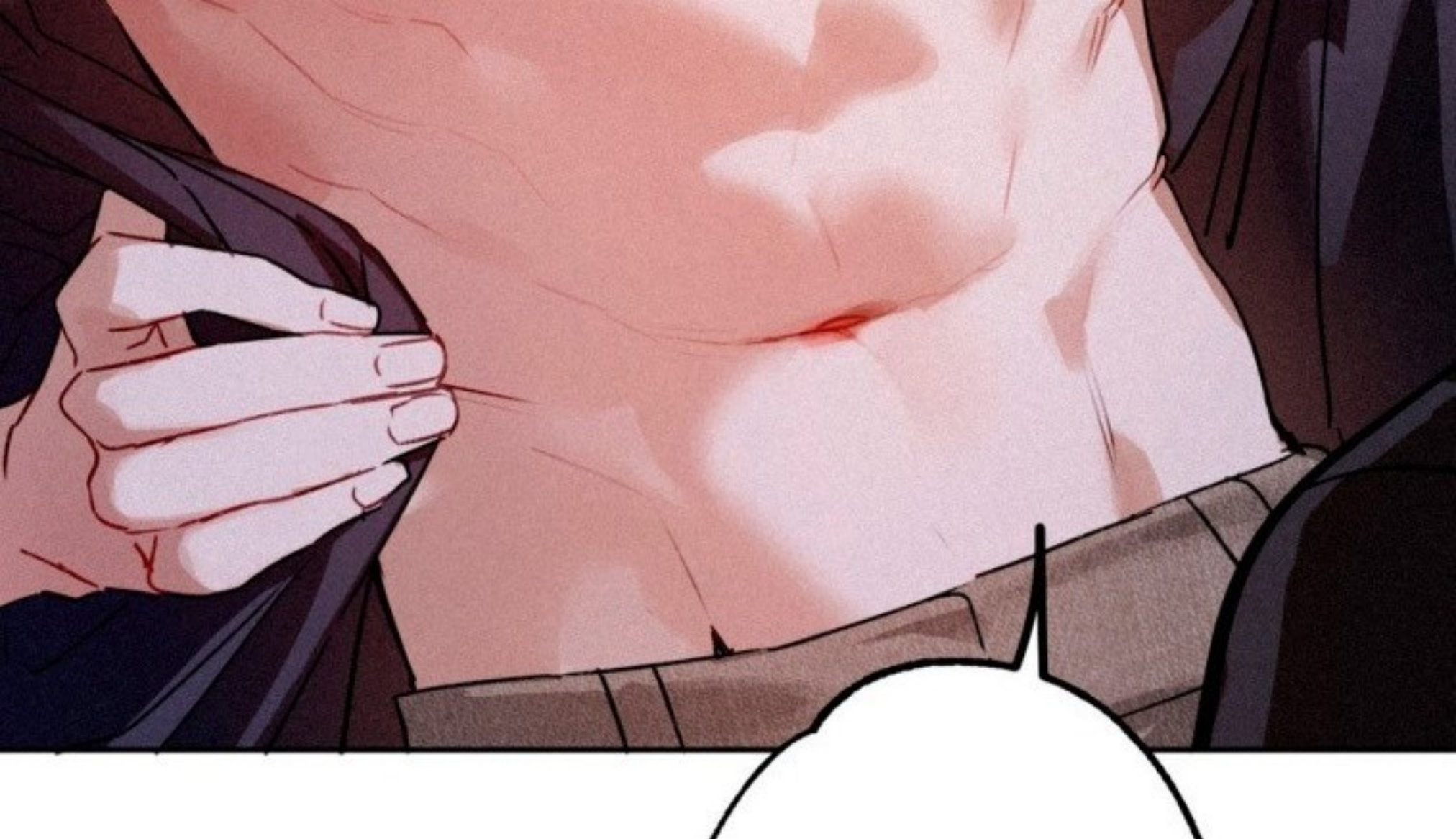
اوه،
درسته!

قبل از رفتن
شماره تلفن رو
بهم بده.



ما همسایه ایم!
و هی، من حتی
دستت رو هم
نشکستم...





این زن سعی
کرد به من حمله
کنه ...

جدی میگی؟

خانم نابی سعی
کرد ... بهش حمله
کنه؟

با- با رضایت
هر دو نفر بود!!



دنبالم دوید، گفت
منومی خوره، شروع
کرد به لخت کردنم...



اون رو
می خوره...؟!



بعد شروع کرد به آزار
پنسی من- و گفت
که اون کسیه که
معمولاً پاقتو میزنه!

م- منظورم اینکه که
این بخشش از نظر فنی
درسته...

درسته؟!
چطوری؟!

اون فقط هرچی
من گفتم رو تکرار
کرد.

برای همین وقتی با
کسی تنها میشه، خشونت
به خرج میده...



11111111



بیا این قضیه
رو ببریم اداره.



ن - نه،
اینطور نیست...



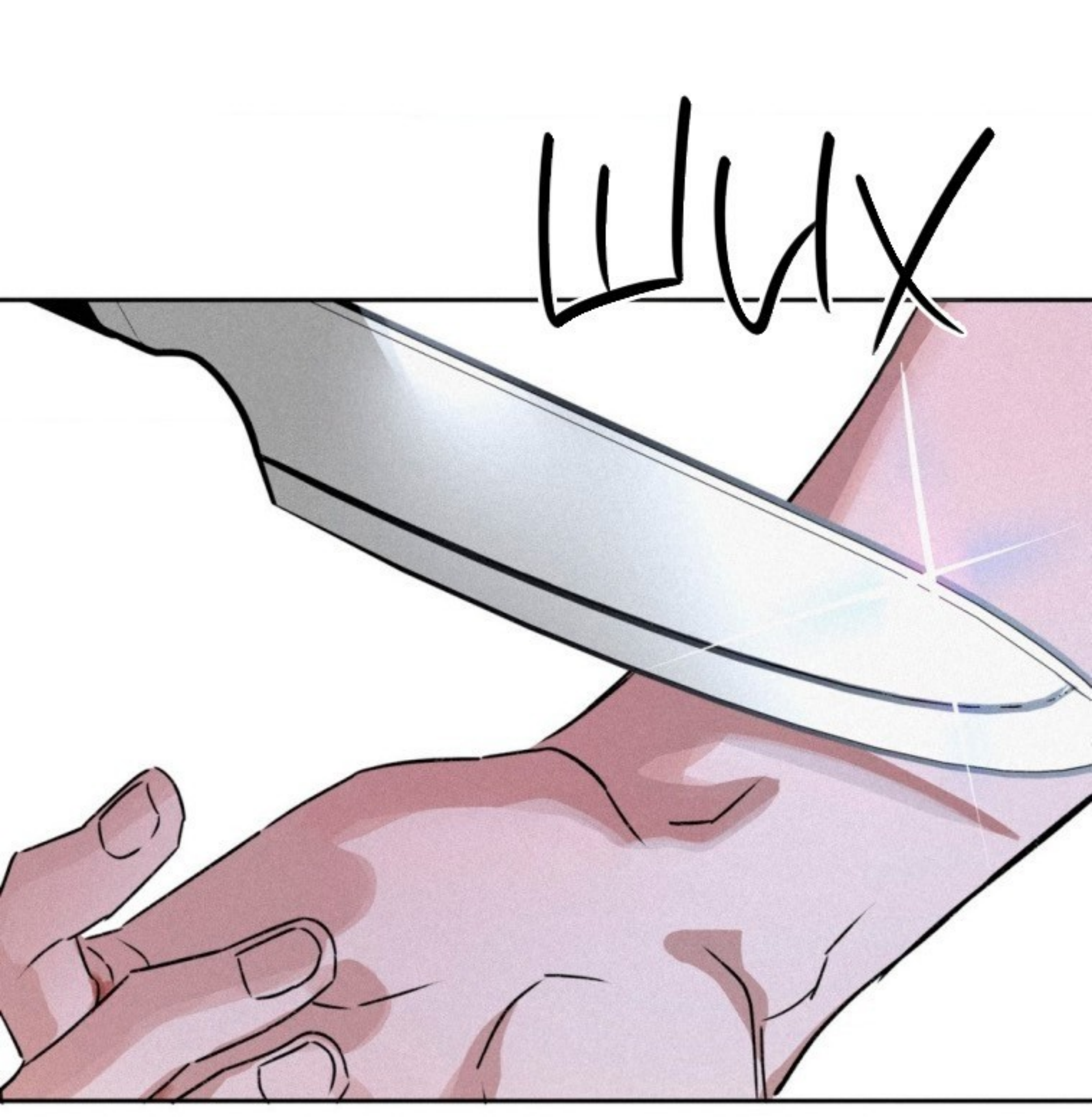
من نمی‌خوام برم
اداره‌ی پلیس...!!

نابی در برابر
قدرت ضعیفه.



من برگشتم،
اون‌چان...

ساعت‌ها
عذاب کشیدم.



فکر کردم... از وقتی که
قبل از بیهوش شدنم،
اون روی رخت انگیزم
رو بخت نشون دادم،
دیگه ازم ناامید شدی...



منظورم اینه که،
واقعاً منظره‌ی جالبی
بود...

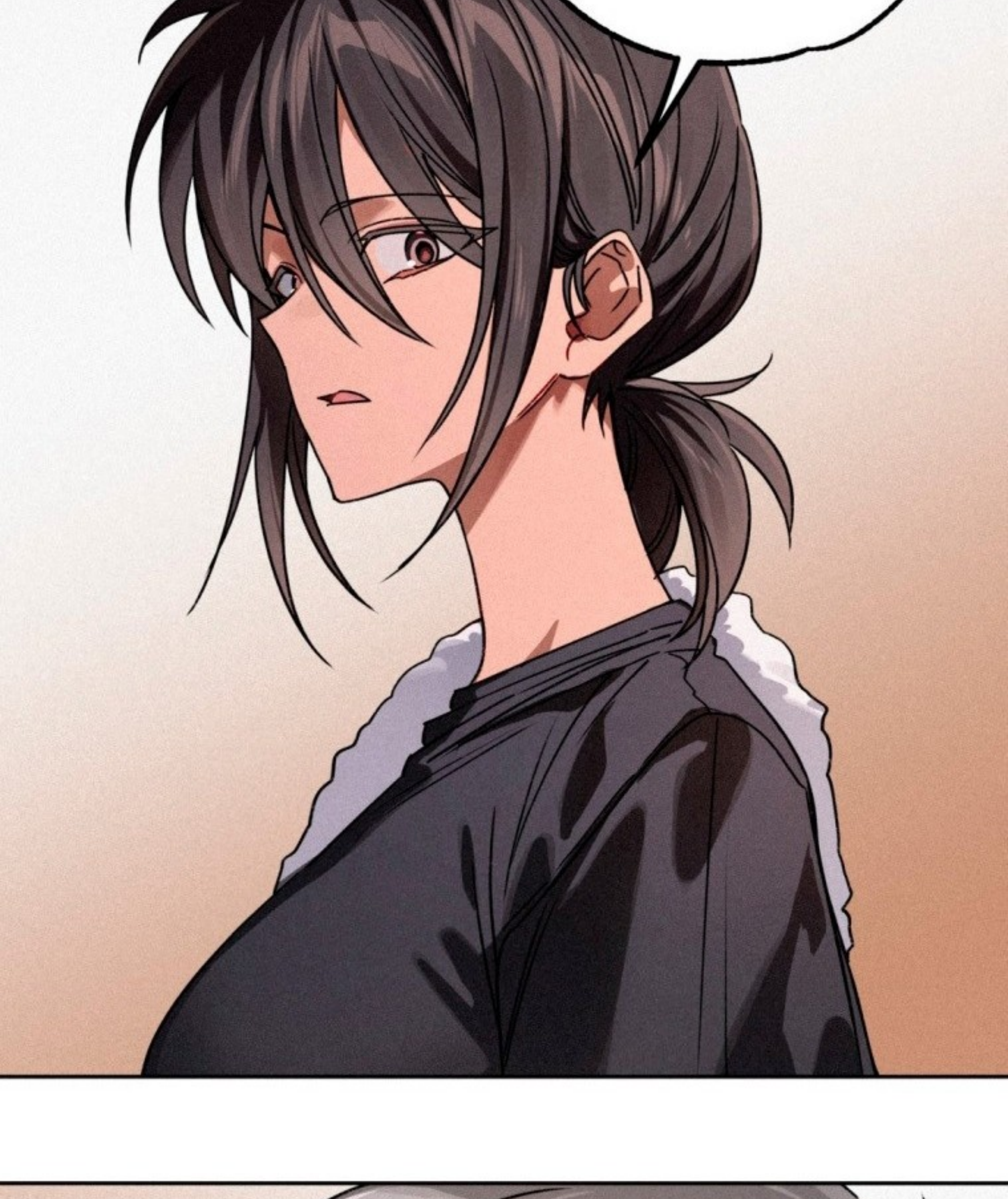
به هر حال،
من میرم دوش
بگیرم.



دوش...!

اوه،
درسته.

تا وقتی که بیرون
نیومدم، از جات تگون
نخور. مشکلی درست
نکن.



بله،
خانم...!



Shenk



به هیچ چیز
دیگه ای فکر نکن...
حالا که بهش فکر
می کنم...



یعنی اون... یکم
پیش نگذاشم بود؟ یا
شاید این طور رفتار
کرد چون آماده بود من
رو به خاطر یه قهچون
خون پخش شه؟



بازم... از اون جایی که
اون نگران بود، دفعه
بعد حداقل قبل از اینکه
خودم رو زخمی کنم باید
ازش اجازه بگیرم -





اون چان قبلاً
هیچوقت زنی رو که
تازه دوش گرفته
باشه ندیده بود.



در مورد
یکم پیش -

به خاطر من
گلوت آسیب دید.



بقیه‌ی چای
لاله کوهی رو
بهت میدم.

چای
لاله کوهی...؟



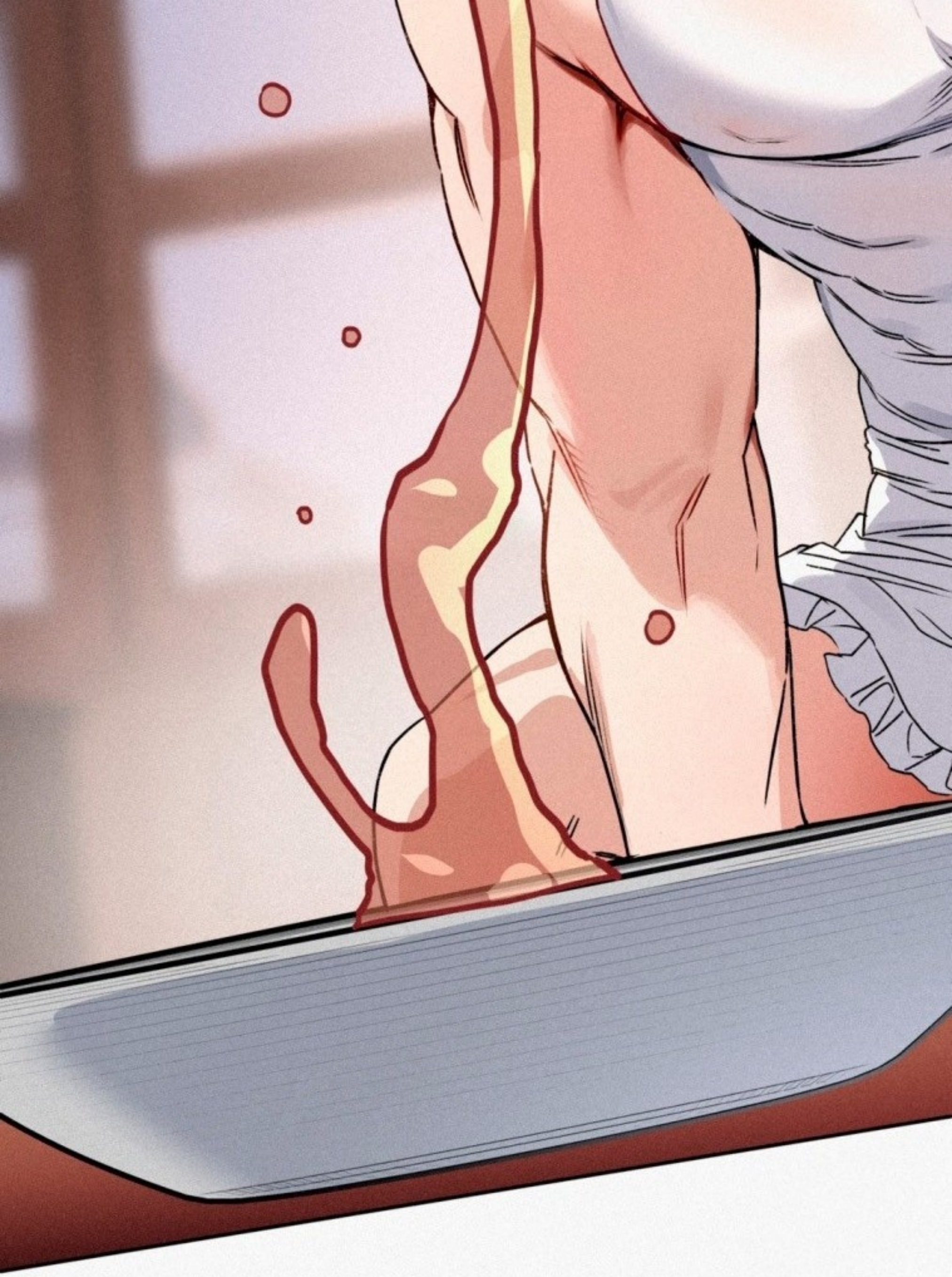
منی که این همه
فکرهای کثیف به
ذهنم رسیده بود...

اما اون هنوزم
این چوری از من
مراقبت می‌کنه!

هر چند، هیچ
فنجونی دیگه
نمونده.

کاری از تیم
ترجمه و ادیت انوبی سکای
ما رو فقط در کانال تلگرامی
@AoiSekai
دنبال کنید





منتظر چی
هستی؟

بخورش.



ادامه دارد...

سلام
این فایلی که هم اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

Aoi Sekai

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی روبیکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام رسان های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/AOISEKAI)